

متن پیاده سازی شده جلسه سی و دوم سال سوم درس خارج اصول مباحث قطع و ظن - 6 آذر 1387

بسم الله الرحمن الرحيم

ان جائکم فاسق بنبا فتبینوا ان تصیبوا قوماً بجهاله فتصبحوا علی ما فعلتم نادمین.

این آیه های که در بحث های اصولی مطرح می شود گاهی اوقات حالت کلیشه ای پیدا می کند و حالت و پیام اخلاقی خود را از دست می دهد. باید دقت کنیم که پیام اخلاقی آیه برای ما باقی بماند.

اموری که سبب می شود حلم از بین برود و انسان به جهالت اصابت کند

1: انسان وقتی قدرت طلب و انحصار گرا باشد یک خبری را که می شنود سریع عکس العمل نشان می دهد؛ اینکه انسان علم خودش، حدس خودش را فقط قبول کند بسیار بد است.

قرآن کریم می فرماید: کل حزب بما لدیهم فرحون .... یعنی فقط خودشان را قبول دارند و نظرات دیگران را هیچ می پندارند؛ در یک جا مرحوم ملاصدرا می گوید من تاسف می خورم که چرا بو علی با این ذهن و هوش عمر خود را صرف بول ، منی و... کرد ( بوعلی پزشک بود لذا با اینها سروکار داشت )

اینکه انسان کار خودش را فقط درست بداند سبب می شود که نسبت به کار دیگران سریع اعتراض کند.

2: انگیزه های اخلاقی و مذهبی باعث می شود که انسان حلم خودش را از دست دهد و به جهالت عمل بکند.

این کمونه یک اشکالی در مورد تعدد باری دارد و می گوید چه اشکالی دارد که ما قائل به دو یا چند خدایی باشیم ؛ در برخی از کتب به ایشان لقب افتخار الشیاطین داده اند چرا که به نظر می رسد اول کسی که چنین لقبی را داده است به نیت مذهبی چنین لقبی را به این کمونه داده است.

این از سایر موارد خطرناک تر است چرا که انسان در این صورت با خیال راحت غیبت و تهمت و... می زند.

3: انگیزه اصلاحی : برخی ها دیکتاتوری می کنند به نیت اصلاح و... ؛ در این صورت حلم خود را از دست می دهند و به جهالت اصابت می کنند.

4: ساده انگاری: گاهی اوقات انسان ساده انگاری می کند و مطلب را مهم نمی شمارد و به جهالت اصابت می کند؛ مثلاً برخی ها مطلب را نخوانده رد می کنند.

راه درمان

اولاً: همین عواملی را که باعث می شود به جهالت برسیم را بشناسیم و از آنها پرهیز کنیم.

ثانیاً: شرح صدر داشته باشیم و به تمامی رشته ها و مشاغل و... احترام بگذاریم ؛ جامعه هم پزشک می خواهد هم کارگر هم دانشمندو....

بسم الله الرحمن الرحيم

در بحث دیروز دقت کردید که ما به اینجا رسیدیم که جهالت همان معنای عدم العلم را دارد اما گاه نابخردی و عجله و... هم مصداق عدم العلم هستند.

نکته: یا باید بگوییم که جهالت چند معنا دارد و مشترک لفظی است و یا باید بگوییم که معنای جهالت عدم علم است اما چند مصداق دارد؛ و ما می دانیم که اشتراک لفظی خلاف اصل است.

اشکالی شده بود که تعلیل آیه شامل خبر عادل هم می شود مرحوم شیخ انصاری پاسخ داد که خبر واحد عادل چون اطمینان آور است شامل آیه نمی شود ؛ مرحوم آخوند فرمود: جهالت به معنای سفاهت است و عمل به خبر واحد عادل سفاهت نیست.

استاد علیدوست: ما اشکال را تقویت کردیم و طبق بیان ما که جهالت به معنای عدم العلم است این اشکال دوباره زنده شد. توجیه: درست است که تعلیل شامل خبر واحد عادل هم می شود اما صدر آیه ذیل را تفسیر می کند؛ خبر واحدی که پشتوانه علم یا علمی دارد اخذ به جهل نیست.

اما این توجیه هم درست نیست و دور است چرا که ما به واسطه این آیه به صدد اثبات علم یا علمی بودن خبر واحد هستیم اما در توجیه بالا علم یا علمی بودن خبر واحد مفروض گرفته شده است.

**و الحمد لله رب العالمین**